محکومیت پسر دانشجو قطعی شد

اعتراف به سرقت در مهمانی ها

دزدی از پول های پدر کافی بود تا دست به سرقت های سریالی از خانه فامیل و در مهمانی ها بزند. مهدی ۲۴ ساله است و شاگرد اول مدرسه بود. او با آن که دانشجو شد اما نتوانست عادت دوران نوجوانی اش را ترک کند.

■ سرقت طلایی

سال ۹۶ بود که یک پزشک با مراجعه به دادسرای تهران ادعا کرد ۱۰ سکه طلا از خانه اش به سرقت رفته است. این مرد شیک پوش گفت: از سال پیش حدود ۲۵ سکه طلا از مادرزنم به امانت گرفتم تا وقتی او نزد خواهرزنم به کانادا رفته بود، از طلاها نگهداری کنم. وی افزود: این طلاها نزد من بود تا این که دیروز مادرزنم زنگ زد و خواست طلاهایش را به او بدهم، وقتی سراغ سکه ها رفتم، دیدم همه ۲۵ سکه سر جایش نیست و نمی دانم چه بلایی سر سکه ها آمده است. هیچ سرقتی از خانه ام رخ نداده و من و همسرم تنها زندگی می کنیم. ماموران با این ادعاها وقتی از این پزشک تحقیق کردند پی بردند ۱۵ روز پیش در خانه او یک مهمانی فامیلی برگزار شده است. در قوی ترین فرضیه تصور شد که یکی از مهمانان دزد باشد اما پزشک تهرانی خواست هیچ اقدامی برای بازجویی در پرونده اش صورت نگیرد و پذیرفت که خودش سکه بخرد و به مادرزنش بدهد.

■ یک ماه بعد

یک ماه بعد و در حالی که تیم پلیسی بر این باور بود دزد سکه ها مهمان خانه پزشک جوان بوده است، این بار پسرعموی پزشک که مهندس مکانیک است به همراه او نزد ماموران رفت و ادعای مشابهی را مطرح کرد. این مرد جوان گفت: دلارهایم به سرقت رفته است، ارزش آن ها حدود ۳۰ میلیون تومان بود و برای سفر من و همسرم به پاریس خریده بودم. وقتی سراغ شان رفتم دیدم در کمد نیستند. بعد با پسرعمویم تماس گرفتم تا با دوستش که صراف است تماس بگیرد و من فوری دلار بخرم که ماجرا را تعریف کرد و شنیدم که از خانه او هم مثل خانه من سرقت شده است. هر دوی مان در چند ماه اخیر مهمانی داده بودیم و شک نداریم یکی از مهمانان دزد باشد.

■ شناسایی دزد

کارآگاهان در این مرحله به بررسی مهمانان دو خانه پرداختند و متوجه شدند تنها یک پسر دانشجو با نام مهدی، در بین مهمانان مشترک بوده است. همین کافی بود تا مهدی تحت نظر قرار بگیرد و یک مهمانی دیگر ترتیب داده شود. قرار شد این بار مهمانی در خانه برادر پزشک برگزار و پسرعمو هم دعوت شود و در اتاق ها بدون این که کسی بداند دوربین مخفی کار گذاشته شود. آن شب پس از تمام شدن مهمانی، فیلم بازبینی شد و ماموران دیدند مهدی از حواس پرتی عمدی سه پسرعمو و مهمانان استفاده کرده و به سراغ کمد دیواری در اتاق خواب رفته و بعد از برداشتن یک ساعت مارکدار به ارزش ۲۱ میلیون تومان آن جا را با خونسردی ترک کرده است.

■ بازداشت دزد فامیلی

با دستور بازپرس خیلی زود پسر دانشجو بازداشت شد، او که سعی داشت با اشاره به تحصیلات و خانواده اش خود را بی گناه جلوه دهد، وقتی فیلم دوربین مداربسته را دید و شنید از دو سرقت دیگرش هم فیلم وجود دارد چاره ای جز اقرار ندید.

■ اشتباه در نوجوانی

مهدی در بازجویی ها گفت: من دزد نیستم و نیازی به این پول ها ندارم، فقط دستم کج است و به خاطر هیجان و عادت این کار را می کنم. وی افزود: نوجوان که بودم پول توجیبی خوبی داشتم اما برای ولخرجی هایم از جیب پدرم پول برمی داشتم، چند باری فهمید اما حرفی نزد. همین عادت باعث شد از فامیل هم سرقت کنم. همه پول ها را صرف ولخرجی می کردم، به هر مهمانی که می رفتم بخشی از پول و طلاهایشان را برمی داشتم و با آن ها به سفر می رفتم یا لپ تاپ و... می خریدم. درسم را هم دقیق می خواندم و در زمینه درس خیلی موفق بودم و کسی به من شک نداشت، اصلا تصور نمی کردم دستگیر شوم. مهدی گفت: الان از این که آبرویم رفته است به شدت ناراحت هستم و امیدوارم این دوستان بفهمند که من دزد نیستم و فقط عادت به این کار دارم. باور می کنید هنوز از جیب پدرم پول برمی دارم در حالی که در یک شرکت خصوصی کار می کنم و درآمد خوبی هم دارم.

■ حکم دادگاه

با توجه به اعترافات مهدی و در حالی که فامیل هایشان او را بخشیده بودند، کیفرخواست از جنبه عمومی جرم صادر و پرونده در دادگاه جزایی عمومی بررسی شد. مهدی در دادگاه فقط عذرخواهی کرد و باز اصرار داشت که دزد نیست و خواستار بخشش شد. بنابه این گزارش، قضات دادگاه بعد از شنیدن ادعاهای این پسر دانشجو و با توجه به روحیه او که دزد حرفه ای نبوده است و اعلام توبه اش از این سرقت های فامیلی مهدی را به جریمه میلیونی بدل از حبس و ۷۴ ضربه شلاق محکوم کردند. مهدی در این مرحله نیز برای این که ۷۴ ضربه شلاق نخورد به رای اعتراض کرد که قضات دادگاه تجدید نظر این حکم را تایید و قابل اجرا دانستند.

■ تحلیل کارشناس

خانه های بی روح

محمد رضا توانمند، جامعه شناس، درباره فرزندانی که در خانه های تقریبا بدون والدین زندگی کرده اند گفت: زندگی مدرن با وجود مزایای زیاد، عیب های بزرگی نسبت به زندگی های سنتی دارد که مهم ترین آن ها غفلت از تربیت روحی و روانی و به ویژه اجتماعی فرزندان است. وی ادامه داد: شاغل بودن پدر و مادر گاهی اجبار است چرا که توان اقتصادی کم است و برای گذران زندگی زوج ها مجبورند هر دو سرکار بروند اما گاهی هم دیده می شود حتی با وجود توان مالی مناسب، مادرها تنها به دلیل این که قبل از ازدواج تلاش کرده و موقعیت تحصیلی و کاری مناسبی به دست آورده اند نمی توانند فقط نقش مادر را بازی کنند و به اصطلاح خانه دار شوند و همین باعث فاصله بین زوج و فرزندان می شود. این جامعه شناس گفت: این مسئله ایراد بزرگی است که می تواند فرزندان را در خانواده های حتی فرهنگی به بیراهه بکشاند. از سوی دیگر شاهد اتفاق بدتری هم هستیم و این که چنین زوج هایی تنها به داشتن یک فرزند بسنده می کنند و تک فرزندها حتی اگر به راه کج نرفته باشند با مشکلات عدیده ای از لحاظ روحی و روانی روبه رو می شوند که در آینده شان تاثیر منفی زیادی خواهد داشت. توانمند اظهار کرد: در خانواده هایی که زن و شوهر هر دو سرکار می روند نیاز است مادربزرگ ها و پدربزرگ ها به کمک نوه ها بیایند و پدر و مادرها هم زمان های خاصی را به فرزندان شان تخصیص بدهند. این جامعه شناس گفت: مادران نباید تصور کنند در زمان هایی که در خانه هستند فقط وظیفه پختن غذا و نظافت خانه را به عهده دارند و پدران هم فقط به تماشای تلویزیون نشینند یا ادامه کارشان را در خانه انجام ندهند، آن ها باید با فرزندان شان دوستی کنند و مراقب تربیت آن ها باشند.

در مصاحبه با خبرنگار ما تشریح شد

سرنوشت شوم زن جوان با آزادی از زندان

زن جوان که به خاطر یک بار زندان رفتن و بدهکاری میلیونی دست به سرقت های سازمان یافته می زد سرنوشت تکان دهنده ای دارد.

چندی قبل مرد جوانی در تماس با ماموران پلیس تهران از ماجرای سرقت طلاهای همسرش از سوی یک زن جوان که به عنوان نظافتچی وارد ساختمان شده بود، خبر داد.

بدین ترتیب تیمی از ماموران ۱۲۵ یوسف آباد برای تحقیقات پلیسی وارد عمل شدند که در گام نخست مشخص شد زن جوان از سوی یک شرکت خدماتی به خانه زوج جوان مراجعه کرده با استفاده از غفلت اعضای خانواده دست به سرقت طلاهای داخل خانه زده است.

ماموران به سراغ شرکت خدماتی رفتند که مشخص شد زن جوان از طریق تبلیغات اینترنتی با این شرکت خدماتی آشنا و با ارائه کپی مدارک مشغول به کار شده است و در نخستین محل برای نظافت دست به سرقت زده است.

تجسس های پلیسی ادامه داشت تا این که ماموران در جریان چند سرقت مشابه دیگر قرار گرفتند و تیم پلیسی برای تحقیقات فنی به سراغ طعمه های این زن جوان رفتند.

■ سناریوهای سرقت

مرد میان سال که از خانه اش سرقت شده است گفت: وقتی به خانه رفتم دیدم یک زن جوان در خانه است و همسرم گفت این زن از یک شرکت خدماتی که از طریق اینترنت با آن آشنا شده برای کار نظافت آمده است.

من به این موضوع شک داشتم اما همسرم گفت که در این کارها دخالت نکنم. پس از آن من از خانه خارج شدم و وقتی به خانه بازگشتم همسرم اظهار کرد که زن جوان بعد از چند ساعت کار نظافت به بهانه این که فرزندش مریض است، از خانه خارج شده و بعد متوجه سرقت طلاها شدیم.

ماموران در ادامه تحقیقات پی بردند اتاقی که سرقت طلاها در آن جا صورت گرفته است مجهز به دوربین مداربسته است و همین کافی بود تا نخستین تصویر از زن جوان در اختیار ماموران قرار گیرد.

مال باخته دیگری نیز در اظهاراتش گفت: وقتی زن جوان برای کار نظافت آمد، من قصد رفتن به محل کارم را داشتم و پسرم در خانه بود، آن زن گفت که تا ساعت ۶ در خانه می ماند، اما ساعت ۲ ظهر بود که تماس گرفت و گفت حال فرزندش بد شده است و باید به خانه برود و کارها نیز تمام شده است.

وی افزود: تعجب کردم و از او خواستم شماره کارتش را بگوید تا پول را به حسابش بزنم که زن جوان ادعا کرد خودم به خانه بروم و در صورت رضایت و تمیز شدن خانه پول را به حسابش واریز کنم اما وقتی به خانه رفتم متوجه سرقت طلاهایم شدم و هر چه با او تماس گرفتم بی نتیجه ماند. مدیر شرکت خدماتی ابتدا فکر می کرد دروغ می گویم تا این که از ماجرای سرقت های این زن اطمینان یافت.

■ بازداشت زن مرموز

ماموران با توجه به گسترده بودن این سرقت ها و با در اختیار داشتن تصویر دوربین مداربسته، تحقیقات را برای دستگیری زن جوان آغاز کردند که در این مرحله مشخص شد زن جوان سابقه سرقت به همین شیوه و شگرد را داشته است.

تیم تجسس کلانتری با توجه به نشانی هایی که این زن به شرکت های خدماتی داده بود پی بردند که او ۱۷ نشانی متفاوت در پرونده ها ارائه کرده است.

ردیابی ها ادامه داشت تا این که ماموران با اقدامات فنی و اطلاعاتی موفق شدند مخفیگاه زن جوان را در جنوب تهران شناسایی کنند و در این مرحله با اطلاع از حضور زن جوان در خانه اش در عملیاتی غافلگیرانه موفق به دستگیری ثریا شدند.

■ گفت وگو با ثریا

ثریا ۳۰ ساله که یک سابقه زندان در پرونده اش دارد ادعا می کند به خاطر بدهکاری در پرونده قبلی اش مجبور به سرقت شده است.

این زن در حالی از سرقت ۳۰ میلیون طلا صحبت می کند که در یکی از سرقت هایش تنها ۱۵۰ میلیون تومان طلا دزدیده است.

■ سابقه داری؟

بله، سال گذشته به خاطر سرقت طلا به همین شیوه نظافتچی دستگیر شدم.

■ چه مدت زندان بودی؟

یک ماه زندان بودم.

■ چرا دوباره دزدی کردی؟

از روی ناچاری و اجبار.

■ اجبار؟

بله، چون باید پول طلای سرقتی را پرداخت می کردم، یک نفر ۳۰ میلیون تومان قرض داد تا توانستم رضایت شاکی پرونده را بگیرم و بعد از آن هر چه تلاش کردم که بدهکاری ام را پرداخت کنم نتوانستم و راهی جز سرقت پیدا نکردم.

■ ازدواج کردی؟

بله، دو فرزند دارم و شوهرم بیمار است و نمی تواند کاری انجام دهد.

■ چطور این شیوه و شگرد را یاد گرفتی؟

من خانه ها را نظافت می کردم که وسوسه شدم دزدی کنم.

■ خانواده ات کمک نکردند؟

نه، کسی را ندارم که کمک مان کند.

■ چرا از راه نظافت در خانه ها، هزینه ها و بدهکاری ات را تامین نکردی؟

روزی ۶ تا ۸ ساعت در خانه ها کار می کردم و ۱۰۰ هزار تومان پول پرداخت می کردند که ۳۵ هزار تومان آن برای شرکت و ۲۰ هزار تومان هزینه رفت و آمدم بود. تنها ۴۰ هزار تومان برای من باقی می ماند که با آن نمی توانستم بدهکاری ام را پرداخت کنم. حتی بعضی روزها بیشتر از ۸ ساعت کار می کردم اما صاحبخانه ها با این که خانه هایشان قصر بود هیچ پول اضافی نمی دادند و حتی تخفیف هم می گرفتند.

■ از سرقت طلاها چقدر پول به دست آوردی؟

۱۸ میلیون تومان که آن را پرداخت کردم و یک ماه دیگر فرصت گرفتم تا بقیه پول را بپردازم.

■ ارزش داشت دزدی کنی؟

۱۰ روز بود که سالم کار می کردم و دست به دزدی نمی زدم.

■ به دستگیری فکر می کردی؟

فکر می کردم که دیگر دست به دزدی نزدم.

■ آزادشوی دوباره دزدی می کنی؟

نه، می خواهم سالم و درست زندگی کنم. پرستار خانه می شوم که کسی را نبینم.

■ برای کسانی که شرایط زندگی شان مثل خودت سخت است حرفی داری؟

بله، این که هر چقدر هم بدهکار هستند دزدی نکنند و قلک خودشان را جمع کنند. هیچ چیزی ارزش لحظه دستگیری و بی آبرو شدن را ندارد.

■ تحلیل کارشناس

۴ مرحله آسیب شناسی

دکتر ابراهیم اندرخورا، جامعه شناس و استاد دانشگاه | موضوع سرقت به عنوان یک آسیب اجتماعی در همه جوامع قابل بررسی است. معمولا چهار مرحله آسیب شناسی برای چنین اتفاقاتی وجود دارد. تبیین عوامل و متغیرهای تاثیرگذار در این اتفاق، پیشگیری یا شناسایی عوامل پیشگیرانه، درمان و در نهایت استمرار درمان موثر و مفید است. وقتی جرمی رخ می دهد از زوایای مختلف باید آن را بررسی کرد و تاثیر عواملی چون مسائل اجتماعی، نقش دستگاه ها و سازمان های متولی خانواده و در نهایت ویژگی های شخصیتی و فردی را مورد ارزیابی قرار داد. رابطه بین اختلالات شخصیت و انحرافات با آسیب های مرتبط با نظام خانواده موضوعی است که در آسیب شناسی اتفاقات باید مورد ارزیابی قرار گیرد. در این پرونده زن به دلیل نامعلومی مرتکب جرم و به واسطه جرم اتفاق افتاده تنبیه شده است اما بازگشت به جامعه آسیب های جدیدی را به همراه داشته است زیرا دوباره مرتکب خلاف شده و سرقت ها را تکرار کرده است. این زن به دلیل بدهی و نداشتن امنیت اجتماعی و مالی و بسیاری از شاخص های دیگر بعد از آزادی از زندان مجدد به بزهکاری روی آورده است، این جاست که متغیرها و عوامل تاثیرگذار بر وجدان عمومی و اجتماعی نقش خود را ایفا می کنند. بنابراین سازمان های مردم نهاد و مجموعه های وابسته به هم باید از افراد آسیب دیده در چارچوب مقررات و قوانین تعریف شده حمایت کنند.

همسرت از سرقت ها اطلاع داشت؟

نه، اما دیگر متوجه این سرقت ها شده است.

■ چطور دستگیر شدی؟

در خانه بودم که ناگهان دیدم پلیس سر رسید، باور نمی کردم پلیس مخفیگاهم را شناسایی کرده باشد. بنابراین گزارش، تحقیقات پلیسی برای شناسایی دیگر جرایم و طعمه های این زن جوان ادامه دارد.

بازداشت دزدان مهاجم به خودروی نماینده مجلس

دو دزد حرفه ای که اقدام به سرقت موبایل راننده نماینده مجلس اصفهان کرده بودند در عملیات پلیسی دستگیر شدند. ساعت ۲۰:۱۵ یک شنبه ۲۳ تیرامسال، راننده حجت الاسلام احمد سالک نماینده مردم اصفهان در خیابان دانشگاه، تقاطع خیابان لبافی نژاد هدف موبایل قاپی قرار گرفت و در استفاده از کلت کمری خودش آسیب دید. با توجه به فراری بودن سارقان اقدامات فنی و پلیسی در دستور کار قرار گرفت و ماموران پلیس آگاهی تهران ظهر روز گذشته موفق به دستگیری دو سارق جوان شدند.

وحشت دختر تهرانی از همدست وحید مرادی

وحشت دختر تهرانی از همدست مخوف وحید مرادی به اندازه ای زیاد بود که می ترسید به کلانتری برود. ابتدای هفته گذشته، دختری وحشت زده خود را به کلانتری ۱۳۴ شهرک قدس تهران رساند و از یک شرور شکایت کرد. ماموران وقتی دیدند شرور خطرناکی به نام وحید مشکی باعث وحشت دختر جوان شده است، بلافاصله وارد عمل شدند و به تعقیب خودروی او پرداختند. حمید مشکی با وجود تیراندازی پلیس گشت فرار کرد تا این که روز سه شنبه توسط کلانتری ۱۳۳ شهرزیبا دستگیر شد. دختر جوان از ترس حاضر به حضور در کلانتری نشد و پدر و مادرش پیگیر پرونده هستند.